



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد



۲۰۲۲/۰۲/۱۱

یونس نگاه

اشراف دست‌نگر (گدایان بی‌تنگ و کلان‌کار)

در افغانستان دو گروه گدا داریم. یکی گرسنه‌گدا و دیگری از سیری‌ترکیده گدا. گدای گرسنه همان‌هاست که برای زنده ماندن دست دراز می‌کنند. پیش از آن‌که دست‌شان دراز شود، هزار مشقت را کشیده، بارها تا لبه گدایی افتاده و دوباره برخاسته‌اند، و حالا نیز وقتی دست دراز می‌کنند احساس بد دارند و تصور می‌کنند از انسانیت‌شان کاسته شده است. بیشتر ما افغان‌ها درین چهل سال، زمانی به گدایی افتاده‌ایم و می‌دانیم چه حس بدی دارد وقتی برای گرفتن روغن، آرد و نان خشک در صفی بیایستیم.

ترکیده‌گداها اما اقلیت کوچکی‌اند که در ظاهر رئیس و رهبر می‌نمایند ولی در باطن ترکیبی از دزد، دغل، گدا و مفت‌خوارند. با پول بیت‌المال گدایی شده و کمک شده خارجی‌ها در قصر زندگی می‌کنند، صندوق‌های پر از پول دارند، زیورات و ساعت‌های قیمتی می‌پوشند، در بانک‌ها اندوخته های میلیونی و گاه میلیاردی دارند، در دسترخوان‌شان تا هجده نوع گوشت هم صرف می‌شود اما در انسانیت خود هیچ کمی نمی‌بینند. تو گویی همه این‌ها حاصل ابله دست خودشان است و ملت و جامعه جهانی قرضدار آنان می‌باشند. وقتی یک محموله غذا یا کالا از کدام کشور به مردم گرسنه ما کمک می‌شود، اینان به نمایندگی از ملت تشکر می‌کنند و به کمک کننده آفرین می‌گویند. اما به‌ذهن‌شان نمی‌رسد که در وضعیتی چنین دشوار چرا آنان از طلا، قصر، پول‌های ذخیره در بانک‌های خارجی و شرکت‌های پردرآمدشان چند روپه‌ای به ملت پس نمی‌دهند تا چند گرده سالم بماند و چند کودک فروخته نشوند.

حامدکرزی دیروز کشورهای ترکیه و چین را بخاطر کمک‌های بشردوستانه‌شان آفرین گفته است. با خواندن اعلامیه او به ذهن‌ام رسید که آیا فاصله اقتصادی بین ترکیه و افغانستان بیشتر است یا بین کرزی و یک کارگر افغان؟ رفتم کمی جستجو کردم. عاید سرانه ترکیه در سال حدود 10,000 دالر امریکایی است و عاید سرانه افغانستان بیش از سقوط حکومت حدود 500 دالر تخمین می‌شد. در واقع ترک‌ها بطور اوسط بیست برابر بیشتر از افغان‌ها درآمد دارند. درآمد کرزی چند است؟ نمی‌دانیم. ولی از مصرف دفترش خبرهایی نشر شده بود. در سال 1394 اشرف‌غنی در دهمین فرمانی که بعد از رسیدن به قصر امضا نمود، دفتر کرزی را چون واحد مستقل بودیجوی ایجاد کرد و در خیرها آمده بود که بودجه آن دفتر ماهانه مبلغ 423,000 دالر امریکایی است. این مبلغ در سال 5,076,000 دالر امریکایی می‌شد. برای دفتر کرزی 50 نفر کارمند تعیین شده بود و دسترخوان‌های اشرفی دایم در آن قصر هموار بود. عواید دیگر کرزی، کمک‌ها و مساعدت‌هایی را که از تاجران، کشورها و نهادها دریافت می‌کرد کنار می‌گذاریم، اما ازین 5 میلیون مصرف دفتر او تا 500 دالر عاید سرانه چقدر فاصله است؟



رئیس جمهور ملی با دستور فریاد تاجیه کرد که از که ویژه دولتی، ماهانه بیش از چهارمیلیون هزار دالر برای مصارف دفتر حاکم کرزی، رئیس جمهور پیشین پرداخت شود. آقای من به وزیران محلی دستور دادم تا ماهانه 23 میلیون و 300 هزار افغانی معادل بیش از 443 هزار دالر امریکایی مصارف ماهانه دفتر آقای کرزی را از کد شماره 42 پرداخت کند. در این فریاد که آقای کرزی در اختیار رسانه‌ها قرار گرفته آمده است که از این پول برای گسترش و مصارف دفتر رئیس جمهور پیشین به مصرف خواهد رسید.

از این فریاد، دفتر آقای کرزی، لایحه واحد و مستقل قاری خواهد شد و فوراً پس طرح مصارف این دفتر برای تهیه بودجه سازمان کشور امین‌تباد خواهد بود.

مجموعه رسانه‌های کرزی این دفتر به 200 پرسنل می‌رسد که حقوق برخی این کارمندان، میزان دالر امریکایی در یک ماه است. حقوق و پانسی کرزی این دفتر معلوم نیست.

سازمان کشور - کابل

ترک‌هایی که در سال ده‌هزار دالر امریکایی عاید دارند به افغان‌ها کمک می‌کنند. اما در کشور خود ما آدمی زندگی می‌کند که تنها بخشی از مصارف رسمی‌اش در سال بیش از 5 میلیون دالر می‌شده است. می‌گویند رئیس جمهور بوده است و به داشتن دفتر و اداره نیاز داشت. بلی، این درست است. در جاهای دیگر دنیا نیز رئیس‌جمهورها دفتر دارند. تعدادی از آنان معاش دوران کار خود را به بودجه دولت بر می‌گردانند، کسانی از آنان بعد از دوران ریاست جمهوری از عواید شخصی خود نیز به‌سود رفاه عامه و امور اجتماعی مصرف می‌کنند. در همسایگی ما ایران، احمدی‌نژاد وقتی به قدرت رسید به رئیس‌جمهور قبل از خود دفتر نداد. خود او را نیز رئیس‌جمهور بعدی از دفتر دولتی بیرون کرد. البته دران کشورها نیز رئیس‌جمهورها معاش و امتیازات مادام‌العمر دارند اما کشورشان از یک‌سو بودجه لازم برای پوشش آن مصارف دارد و حداقل آن مبالغ را از کشورهای دیگر کمک نمی‌گیرند، از سوی دیگر امتیازات رئیس‌جمهوران سابق آنان، به چنین مبالغ کلان نمی‌رسد.

مثلاً جایی نوشته شده است که مرکل در سال 180 هزار دلار معاش می‌گیرد و در دفترش یک تن راننده، یک مدیر دفتر، یک منشی، دو مشاور و محافظ دارد. تعداد محافظ را نگفته‌اند که یک یا چند تن اند. دفتر کرزی 50 نفر کارمند داشت که تعدادی از آنان ماهانه پنج شش برابر عاید سالانه افغان‌ها معاش داشتند.

حق داریم سوال کنیم که آیا کرزی منبع دیگری نداشت تا این مبلغ را از بودیجه دولت مصرف نکند؟ آیا او نمی‌توانست این مصرف را به مثلاً سالانه 500,000 دلار امریکایی کاهش دهد؟ آیا او امروز در بانک‌ها و گوشه‌کنار دنیا یگان 10 میلیون دلار یا کم و بیش ذخیره ندارد تا نصف آن را مثل مردم ترکیه یا مردم چین به گرسنگان افغانستان نان و روغن بخرد؟ چرا او روزی یک مکتب، یک شفاخانه یا چاه آبی از بودجه یا معاش شخصی خود نساخته است؟



دوری جستن از دست‌نگری برای کسانی چون کرزی میسر است. اشراف می‌توانند گدا نباشند. شرطاش این است که موضع اشرافی و انگلی خود را کنار بگذارند. مثلاً در امریکای لاتین (اروگوئه) هم‌زمان با دور دوم ریاست جمهوری کرزی کسی به‌نام خوزه البرتو موخیکا رئیس جمهور بود. کشور او عاید سرانه 17,800 دلار دارد و شاخص توسعه بشری‌اش (اوسط امید به زندگی، تعلیم و درآمد) در درجه "خیلی بالا" قرار می‌گیرد و ازین لحاظ 55مین کشور جهان است. اما خوزه ترجیح داد بعد از ریاست جمهوری به زندگی عادی برگردد. او خدمه و تشریفات ندارد. حتی لباس‌هایش را خودش می‌شوید. این کار برای هرکس ممکن نیست. اما چیزی در وسط برای کشور گرسنه‌ای چون افغانستان هم ممکن است و هم نیاز.

اشراف مفت‌خور و کلان‌کار در بدتر شدن اوضاع اقتصادی نقش دارند. به آفرین گفتن‌ها و اعلامیه‌های‌شان دل‌خوش نکنیم.